

رخداد

سرقت ۲۰میلیار دتومانی نایفه رایانه از بانک

■ پلیس خبر:فرمانده انتظامی استان قم از دستگیری سارق نایفه و همدستان وی که در یکی از بانکهای دولتی سرقتی به ارزش ۲۰میلیارد تومان انجام داده بودند، خبر داد.
سردار کاظم مجتبیایی گفت: چهارنفر سارق وارد یکی از بانکهای دولتی استان قم شدند و به دلیل نبود اِیمنی مناسب از قبیل دوربین، آژیر خطر و.. با تهدید چاقو دست و پای نگهبان و کارمند بانک را بستند و برای جلوگیری از داد و فریاد آنها به دهانشان چسب زدند.وی ادامه داد: یکی از متهمان با استفاده از رایانه بانک اقدام به سرقت ۲۰میلیارد تومان به صورت جابه‌جایی از حساب بانک مذکور به حساب فرد دیگری کرد.فرمانده انتظامی استان قم ادامه داد: به محض اطلاع از وقوع سرقت، اکیب ویژه‌ای از کارآگاهان، برای بررسی موضوع به محل سرقت اعزام شدند.مجتبیایی افزود: با هماهنگی‌های صورت گرفته بلافاصله حسلی که وجه مذکور به آن منتقل شده بود مسدود و تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه آغاز شد. وی گفت: کارآگاهان با تلاش‌های مستمر و به‌کارگیری اقدامات فنی سرکرده این بانر را که فردی ۳۲ساله و دارای مدرک فوق لیسانس هوا و فضا و نایفه در امور رایانه است و یکی دیگر از اعضای این باند را که هر دو ساکن استان‌های همجوار قم بودند شناسایی و دستگیر کردند.فرمانده انتظامی استان قم ادامه داد: متهمان پس از دستگیری به بزه انتسابی اقرار و اعتراف کردند و با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد متهم اصلی این پرونده به دلیل کلاهبرداری و بدهی‌های فراوانی که به مردم دارد خانواده خود را رها کرده و از محل سکونت خود متواری شده است.مجتبیایی افزود: برای شناسایی و دستگیری این متهم، اکیب ویژه‌ای از کارآگاهان به شهر مورد نظر رفتند و پس از چند روز تعقیب و مراقبت در محل‌های احتمالی حضور متهم در حالی که او با یک دستگاه خودرو سواری در حال خروج از یکی از شرکت‌های مسافرتی بود، توسط کارآگاهان شناسایی و به همراه مهندس خود دستگیر شد.وی اظهار کرد: متهم در آبان ماه سال گذشته در آن شهر با زنی در یکی از مغاز خدمات وام آشنا شده و پس از مدتی این زن به متهم پیشنهاد داده بود در قبال انجام این سرقت مبلغ چهارمیلیارد تومان به عنوان دستمزد به وی بدهد که متهم نیز این پیشنهاد را پذیرفته بود.وی در پایان گفت: متهمان برای سیر مراحل قانونی تحویل مقامات قضایی شدند.

جوانی ناپدری‌اش را آتش زد

■ ایسنا:پسری که ناپدری‌اش را به آتش کشیده و به قتل رساده است،دستگیر شد.
سرهنگ نورالله ملکی فرمانده انتظامی شهرستان بهشهر در این‌باره گفت: در پی اعلام وقوع آتش‌سوزی عمدی خودروی سواری و جرات شدید راننده آن، مأموران به محل حادثه اعزام شدند و تحقیقات خود را آغاز کردند.فرمانده انتظامی بهشهر ادامه داد: مأموران در تحقیقات اولیه خود متوجه شدند، فرد یا افرادی پس از ورود به خانه اقدام به آتش‌زدن خودروی پارک شده در حیاط منزل کرده و پس از آن به سراغ صاحب‌خانه رفته و با ریختن بنزین به رویش، وی را نیز به آتش کشیده و از محل متواری شده‌اند.ملکی با بیان اینکه پس از گذشت سه هفته از وقوع حادثه و مرگ صاحب‌خانه، پرونده در مسیر جدیدی قرار گرفت، اظهار کرد: در ادامه تحقیقات و پس از به دست آمدن سرخ‌هایی از عاملان جنایت، کارآگاهان پلیس آگاهی با بررسی صحنه جرم و انجام اقدامات اطلاعاتی، سه جوان مظنون به قتل را شناسایی کردند.
به گفته وی، مأموران انتظامی پس از هماهنگی با مقام قضایی، متهمان را دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند.فرمانده انتظامی بهشهر با اشاره به ختلاف افراد دستگیرشده در بازجویی‌ها، خاطرنشان کرد: متهمان معترف شدند با همکاری پسرخوانده مقتول دست به این جنایت زده‌اند.ملکی با بیان اینکه مأموران مخفی‌گاه متهم اصلی را در یکی از شهرستان‌های همجوار شناسایی کردند گفت:متهم پس از هماهنگی قضایی در یک اقدام غافلگیرانه در مخفیگاهش دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شد.این مقام انتظامی ادامه داد: متهم مدعی شد به دلیل اختلاف مالی با ناپدری‌اش ابتدا به قصد ارباب وی، وارد منزل‌اش شد و خودرویش را به‌آتش کشید سپس به دلیل شناسایی شدن آن سوی ناپدری، با ریختن بنزین روی این مرد، او را نیز به آتش کشید و از محل متواری شد.

دستگیری سارقانی که عاشق پیکان بودند

■ شرق: اعضای باندی که بعد از سرقت خودروهای پیکان آنها را با مدارک جعلی به فروش می‌رساندند، دستگیر شدند.
سرهنگ رسول النقی‌پور رییس پلیس آگاهی استان آذربایجان‌غربی گفت:مأموران به دلیل افزایش سرقت خودروهای پیکان در ارومیه ضمن افزایش گشت‌های پلیسی، کنترل سارقان سابقه‌دار را در دستور کار خود قرار دادند.وی گفت: چندی بعد جوان ۱۹ساله‌ای به نام «آرش»سوار بر خودرویی مسروقه دستگیر شد و به هشت فقره سرقت خودروی پیکان اعتراف کرد.النقی‌پور افزود: این سارق در اعترافات خود عنوان کرد خودروهای تصادفی را خریداری و به اسم پدرش تنظیم سند می‌کرد و سپس خودروهای پیکان را می‌زدود و با مخدوش‌کردن یکی از ارکان، آنها را اسند نمره می‌کرد.النقی‌پور افزود: تاکنون شش دستگاه از خودروها به صورت سند نمره و دو دستگاه به صورت تحریق شده کشف و چهار همدست آرش نیز دستگیر شده‌اند.

■ شرق: هیات قضات دادگاه کیفری استان تهران پرونده اتهامی چهار جوانی را که متهم هستند یک سال قبل زنی را در جاده ملارد کرج ربوده و مورد آزار قرار دادند برای بار دوم مورد رسیدگی قرار می‌دهند.

به گزارش خبرنگار ما، این پرونده زمانی تشکیل شد که زنی جوان خود را به مأموران پلیس ملارد رساند و گفت توسط چند جوان مورد آزار قرار گرفته است.این زن گفت: ساعت ۹ شب بود که از خانه مادرم خارج شدم تا به سمت منزل خودم بروم. کنار خیابان منتظر ماشین بودم که پرایدی جلو پایم ایستاد. فکر کردم مسافر کش است و سوار شدم، به محض اینکه من سوار شدم مردانی که در خودرو بودند درها را قفل کردند و بعد یک به یک من را مورد آزار قرار دادند.

این زن گفت: سعی کردم از دست‌شان فرار کنم. خودم را روی صندلی جلو انداختم و با پا شیشه را شکستم تا بتوانم خارج شوم اما آنها چهار نفر بودند و مقاومت‌م فایده‌ای نداشت.

پلیس با شکایت این زن تحقیقات خود را آغاز کرد و چند روز بعد پرایدی را که زن جوان با آن ربوده شده بود شناسایی شد. چهار پسر جوان که بین ۲۰ تا ۲۵ساله

بودند بعد از دستگیری اعتراف کردند زن جوان را مورد آزار قرار داده و به زور به او تجاوز و طلاهایش را سرقت کرده‌اند.

با ارسال پرونده به دادگاه کیفری استان تهران شعبه ۷۶ مسوول رسیدگی به آن شد. زمانی که متهمان در دادگاه حاضر شدند زن شاکي در حالی‌که به شدت ناراحت بود جزئیات را شرح داد و گفت: وقتی سوار ماشین شدم و فهمیدم متهمان قصد دارند به من تعرض کنند از آنها خواش کردم با من کاری نداشته باشند.گفتم من دو بچه و شوهر دارم به من رحم کنید اما توجهی نکردند و سه نفر از آنها من را مورد تجاوز قرار دادند اما یکی از آنها کاری که بشود به آن تجاوز گفت انجام نداد.

متهمان در جلسه‌ات بازجویی به تجاوز به زن جوان اعتراف کردند و گفتند: وقتی او را دیدیم وسوسه شدیم، اول قصد داشتیم فقط طلاهایش را بدزدیم اما بعد تصمیم گرفتیم او را مورد آزار قرار دهیم. وقتی او شیشه ماشین را شکست برای اینکه به او بگویم زورمان بیشتر از او است وی را مورد آزار قرار دادیم.

پلیس نیز در گزارشی اعلام کرد زمانی که متهمان بازداشت شدند شیشه‌ی جلو خودرو آنها همان‌طور که

شاکي گفته شکسته بود و مشخصاتی که شاکي پرونده داده با واقعیت مطابقت دارد. همچنین پزشکی قانونی هم تعرض به زن جوان را مورد تایید قرار داد.
متهمان با تعیین وقت رسیدگی در شعبه ۷۶ حاضر و محاکمه شدند. آنها که این بار همراه وکیل‌شان در دادگاه حاضر شده بودند گفته‌های قبلی خود را پس گرفتند و گفتند تجاوزی در کار نبود و این زن خودش خواست با آنها رابطه داشته باشد. این در حالی بود که شاکي پرونده همچنان اصرار داشت به زور مورد آزار جنسی قرار گرفته است.

بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات شعبه ۷۶ دادگاه کیفری‌استان تهران وارد شور شدند و متهمان را گناهکار شناختند.قضات در رای صادره آوردند: تجاوز به زن جوان براساس اسناد موجود، اقرار صریح متهمان در جلسه‌ات بازجویی و گفته‌های زن جوان محرز است و سه نفر از متهمان به اعدام و یکی از آنها که ادعای تجاوز در مورد او ارایه نشده است به ۹۹ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

رای صادره مورد اعتراض متهمان قرار گرفت. در حالی‌که پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شده بود،

برادر کشی بعد از سال‌ها دوری

بود و مواد قاچاق می‌کرد و اعتیاد هم داشت. با این حال مادرم از او خواست بیاید و با ما زندگی کند. مهدی همیشه به دلیل رفتاری که با او شده‌بود ناراحت بود. من دوستش داشتم و سعی می‌کردم برادر خوبی برای او باشم اما او خیلی بداخلاق بود. این مرد ادامه داد: رابطهام با برادرم باعث شد من هم معتاد شوم. البته در حال حاضر پاک هستم اما در آن سال‌ها به شدت معتاد شدم. بچه‌هایم برادرم را خیلی دوست داشتند و از وقتی که او کشته شد آنها دیگر با من حرف نمی‌زنند. وی در مورد روز حادثه گفت: روز



جدا شدند. من را مادرم همراه خود به تهران آورد و برادرم با پدرم در شهرستان ماند. هرچند وقت یکبار مادرم سراغی از برادرم می‌گرفت اما پدرم اجازه نمی‌داد مادرم یا من مهدی را ببینیم تا اینکه بعد از مدتی متوجه شدیم پدرم، برادرم را به پرورشگاه

فرستاده است چون نمی‌توانست از او مراقبت کند. مدتی بعد هم پدرم بر اثر بیماری جانش را از دست داد. متهم ادامه‌د: در این سال‌ها هیچ خبری از مهدی نداشت‌م تا اینکه به صورت کاملاً اتفاقی او را پیدا کردم. او جوان رشیدی شده‌بود اما متأسفانه در کارهای خلاف

عفو قاتل محکوم به مرگ به مناسبت ماه رمضان

شرق: زن و شوهری مسن با مراجعه به دادسرای جنایی تهران اعلام کردند قصد دارند به مناسبت فرارسیدن ماه رمضان قاتل فرزندشان را عفو کنند. این زوج هشت سال بعد از مرگ فرزندشان بدون هیچ قید و شرطی رضایت خود را اعلام کردند.

مسوولان بیمارستان امام حسین (ع) تهران روز ۲۹ خرداد سال ۸۳ در تماس با پلیس از مرگ جوانی به نام حمید خبر دادند و گفتند این فرد با ضربه چاقو از پا درآمده است. مأموران بعد از حضور در بیمارستان به تحقیق از مادر وی پرداختند. این زن در حالی‌که اشک می‌ریخت، گفت: «پسرم وقتی به خانه آمد غرق در خون بود. او به من گفت وقتی به پارک رفته بود دو نفر به ناهای داریوش و حسن را دیده که مشغول بازی تخته نرد بودند. به آنها به دلیل برپاکردن بساط قمار اعتراض کردم و آن دو با من درگیر شدند، بعد هم داریوش با چاقو مرا زد. پسرم بعد از گفتن این جملات از حال رفت و من سریع او را به بیمارستان رساندم.»

مأموران بعد از اطلاع از هویت قاتل به جست‌وجو برای دستگیری وی پرداختند و ۱۸ ماه بعد از این جنایت داریوش را در خانواده از اطراف تهران بازداشت و از او دو کلت کمری و تعدادی فشنگ کشف کردند. داریوش در بازجویی‌ها ضمن اعتراف به قتل ابراز پشیمانی کرد و گفت:

«حسن شوهر خواهرم بود. او از قبل با حمید اختلاف داشت. روز حادثه هم وقتی حمید وارد پارک شد آن دو نفر با هم درگیر شدند. من قصد داشتم وساطت کنم اما حمید به حسن فحاشی کرد و من عصبانی شدم. بعد از آن مقتول سنگی را به سمت پرت کرد و همین کار سبب شد نتوانم خودم را کنترل کنم و با چاقو وی را بزبتم. از کاری که کردم به شدت پشیمان هستم و عذاب وجدان دارم.»متهم بعد از اتمام تحقیقات مقدماتی در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. او در دادگاه نیز جرمش را گردن گرفت و گفت سس‌زار مجازات است به این ترتیب به قصاص محکوم شد و این رای در شعبه ۲۷ دیوان‌عالی کشور به تایید رسید. پس از آن داریوش در نوبت اعدام قرار گرفت تا اینکه والدین حمید رضایت خود را اعلام کردند. مادر مقتول گفت: «روز محاکمه متهم اول مجرم بود و من می‌خواستم به خاطر امام حسین (ع) رضایت بدهم چون پسرم علمدار هیات‌های عزاداری بود اما خود متهم قبول نکرد و گفت باید مجازات بشود اما حالا تصمیم گرفته‌ایم به دلیل فرا رسیدن ماه مبارک رمضان از قصاص او صرف‌نظر کنیم.»

بنابر این گزارش متهم در پی اعلام رضایت، از چوبه‌دار نجات یافت و به زودی به دلیل جنبه عمومی‌جرم محاکمه می‌شود.
شرق: مرد خدمتکار بعد از بیهوش کردن صاحبخانه اموال او را با کمک دو همدستش سرقت کرد.
به گزارش خبرنگار ما مردی چند روز قبل با مراجعه به کلانتری تجریش به مأموران گفت: «جوانی حدودا ۲۳ساله به عنوان مستخدم به منزل من آمد و پس از بیهوش کردن من، اموالم را شامل دو عدد گوشی تلفن همراه، دو عدد ساعت مچی، لپ‌تاپ، ایکس‌باکس و حتی سگ خانگی‌ام را سرقت کرد.»

مالباخته وقتی برای پیگیری شکایتش به پایگاه یکم پلیس آگاهی معرفی شد به کارآگاهان گفت: «چند روز قبل به صورت کاملاً اتفاقی با جوانی حدودا ۲۰ساله آشنا شدم که به دلیل مشکلات مالی ابراز درماندگی می‌کرد و می‌گفت حاضر است هر کاری را انجام بدهد. من به شدت تحت تاثیر گفته‌های آن جوان قرار گرفتم و به همین علت و صرفاً برای دلسوزی به او پیشنهاد کار دادم و از او خواستم برای انجام کارهای خدماتی به منزل من بیاید و او نیز بلافاصله پیشنهاد مرا پذیرفت. او روز حادثه با مراجعه به محل سکونت من در خیابان فرشته مشغول به کار شد تا اینکه پس از چند ساعت یک لیوان آبمیوه به من تعارف کرد که به محض خوردن آن بیهوش شدم و چند ساعت بعد وقتی به هوش آمدم فهمیدم از خانه‌ام دزدی شده است.»

شاکي پرونده اعلام رضایت کرد و مدعی شد روز حادثه بر سر مبلغ پولی که باید از متهمان می‌گرفت با آنها به توافق نرسید و به همین دلیل به دروغ علیه آنها شکایت کرد. متهمان نیز همین ادعا را تکرار کردند. با توجه به ادعاهای جدید مطرح‌شده رای اعدام سه متهم در دیوان عالی کشور نقض و پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه ۷۶ بازگردانده شد. پس از آن شاکي پرونده دیگر حاضر نشد به دادگاه بیاید و این بار سه متهم ادعای جدیدی را مطرح کردند. آنها مدعی شدند اصلاً توانایی جنسی ندارند و شکایت این زن از اساس دروغ بوده است اما توضیح ندادند چرا در جلسات بازجویی به داشتن رابطه با این زن اعتراف کردند. بنابر این متهمان به پزشکی قانونی فرستاده شدند تا ادعای آنها در مورد ناتوانی جنسی‌شان مورد بررسی قرار بگیرد.

همچنین حکم ۹۹ ضربه شلاق متهم ردیف چهارم مورد تایید دیوان عالی کشور قرار گرفت و اجرا شد. هرچند شاکي پرونده رضایت داده است، در صورتی که قضات دوباره به این نتیجه برسند که متهمان مرتکب تجاوز به عنف شده‌اند در رای صادره در مورد آنها تفاوتی به وجود نخواهد آمد.

حادثه برادرم به خانه آمد و به من گفت گوشی موبایلم را تو برداشتی، من که تازه از خواب بیدار شده‌بودم به او توضیح دادم اشتباه می‌کند. سر این موضوع دعوا کردیم. گوشی موبایل ۸۰هزار تومان بیشتر ارزش نداشت. به او گفتم دستم بردار اما همچنان دعوا می‌کرد. من هم عصبی شدم و کنترل خودم را از دست دادم. دستم را دور گردنش گذاشتم و فشار دادم آنقدر که خفه شد. این مرد گفت: وقتی برادرم کشته شد همه اعضای خانواده‌ام از دست من ناراحت شدند. مادرم با اینکه می‌دانستم من هیچ پولی ندارم درخواست دیه کرد چون می‌خواست تنبیهم کند. از وقتی برادرم را کشتم دیگر کسی با من صحبت نمی‌کند و با هیچ‌کس ارتباطی ندارم حتی در این مدت که در زندان بودم نمی‌دانستم مادرم رضایت داده‌است و حالا در دادگاه متوجه شده‌ام.

بنا بر این گزارش بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافعش هیات قضات شعبه ۱۱۳ برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

خدمتکار سارق، صاحبخانه را بیهوش کرد

کارآگاهان در اولین مرحله از تحقیقات خود اقدام به چهره‌نگاری از متهم کردند سپس پی بردند این فرد جوانی ۲۱ساله به نام بهروز است که در زمینه مصرف و خرده‌فروشی موادمخدر سابقه دارد و به تازگی از زندان آزاد شده است.

کارآگاهان با توجه به اطلاعات مندرج در پرونده بهروز فهمیدند او در شهرستان شهریار، منطقه خادم‌آباد سکونت دارد به همین دلیل با اخذ نیابت قضایی به این محل رفتند و متهم را دستگیر و اموال مسروقه را از خانه وی کشف کردند.

بهروز ضمن اعتراف به دزدی دو نفر دیگر از دوستان خود را به عنوان همدستانش معرفی کرد و گفت: «پس از آنکه مالباخته به من پیشنهاد داد در خانه‌اش کار کنم به شهریار بازگشتم، موضوع را با دو نفر از دوستانم در میان گذاشتم و آنها نیز موافقت کردند در این دزدی کمکم کنند. آن دو روز سرقت، با خودرو پژو ۲۰۶ بیرون خانه منتظر ماندند تا من در را برای‌شان باز کنم. من نیز پس از دادن آبمیوه مسموم به صاحبخانه و اطمینان از بیهوش شدن وی، آنها را خبر کردم و سرقت را انجام دادیم.»

کارآگاهان با توجه به اعترافات متهم دو همدست وی را دستگیر کردند که آنها نیز جرم‌شان را پذیرفتند.



مردم به یادخفاشتگان حله‌خه شمع روشن کردند



عکس‌ها:Gattyimage

سیمتپایی‌ها در آن تیرانداز صورت گرفت ساعتی بعد از حادثه

حوادث

تلاش سه متهم به تجاوز برای رهایی از مجازات

این افراد متهم هستند زنی را ربوده و مورد تعرض قرار داده‌اند

نگاه

موادمخدر صنعتی و جنون



فرشید رفوگران

وکیل پایه یک دادگستری

■ اظهارنظر بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی تهران در شماره روز پنجشنبه روزنامه شرق و ارتباط موضوعی آن با حادثه قتل تینا (پرونده خیابان گاندی) که اخیراً آن را اخیراً ملاحظه کردیم سبب شد تا نکاتی در این خصوصی معروض شود:

طبق یک قاعده و اصل کلی و جهانشمول که در تمام اعصار، جوامع، ادیان، مذاهب، فرهنگ‌ها و قوانین از جمله فرهنگ، مذهب، تاریخ و قانون ایران مورد پذیرش واقع شده است اصل عقلی، منطقی و شرعی زوال جرم یا رفع مجازات با بطلان عمل حقوقی در تمامی زمینه‌های حقوق کیفری و مدنی به واسطه بروز عیوب اراده یا قصد است. برای مثال در حوزه حقوق مدنی چنانچه به ظاهر، معامله یا عقدی واقع اما مشخص شود یکی از ارکان اصلی و ضروری و اساسی اعتقاد عقد مانند قصد یا اختیار، مختل یا معیوب یا مفقود بوده است، به تناسب موضوع در صحت عقد، ایراد و خلل ایجاد می‌شود که بحث راجع به آن تخصصی و خارج از موضوع است اما در حوزه حقوق کیفری و جزایی نیز با توجه به اهمیت بیشتر موضوع و نظر به اینکه مصادیق موجود در حقوق جزا، رابطه مستقیم با جان، مال، آبرو و آزادی اشخاص و جامعه دارد، به طریق اولی باید اصل مذکور با دقت و وسواس و مراقبت بیشتری اعمال و اجرا شود. این است که در مواد متعدد و مکرری از مجموعه مقررات جزایی نسبت به زوال جرم یا رفع مسوولیت کیفری از مرتکب جرم به تفصیل و صراحت، سخن به میان آمده است. برای مثال، مواد ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۴ و ۵۵ قانون مجازات اسلامی، بر این استوار شده که در صورت نبود بلوغ یا عقل یا اختیار یا قصد، توجیه و محلی برای اعمال مجازات طفل یا مجنون یا مکره یا مجبور یا مضطر یا مست و.. باقی نمی‌ماند. لازم به ذکر است بسیار بیشتر از مواردی که در این زمینه در قوانین موضوعه ذکر شده است، صحت استدلال فوق و اهمیت آن برای آن را در متون و موازین شرعی و فقهی اعم از قرآن کریم، سنت نبوی، سیره معصومان و اجماع فقها درمی‌یابیم. برای مثال بخشی از کلام خدا می‌فرماید خداوند تکلیف را از عهده کسی که ناتوان از انجام آن تکلیف بوده یا در جای دیگری می‌فرماید تکلیف را از کسی که حکم و موضوع را نمی‌شناسد (نقل به

مضمون) برداشته است یا در روایات مشهوری آمده است که هیچ‌گونه مسوولیت و حرجی بر دیوانه و بیمار و طفل نیست. حال جای سوال است که چرا با وجود صراحت و وضوح احکام معقول گفته‌شده و نبود تردید و اختلاف در صحت و عقلانیت آنها و در موردی که گستره و وسعت علوم بشری و فناوری ارتباطات دست به دست هم داده‌اند تا در خدمت سلامت دین و دنیای انسان و تحقق جامعه بهتر و برتر باشند باز در مواردی مبتلا به تردید و جمود فکری و بهانه‌گیری‌های ناپسند می‌شویم و موجبات گسستگی ارکان و سلامت فرد و جامعه را فراهم می‌کنیم. در جایی که با توجه به مفهوم ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی چنانچه کسی در اثر نوشیدن مایعات مست‌کننده مانند شراب دچار فقدان موقت اراده شود و نیز مسلوب‌الاراده شدن وی مبتنی بر طراحی از پیش تعیین‌شده نباشد و در این حالت اقدام به عمل مجرمانه یا مستحق مجازات نیست، چگونه می‌توان جوان ۲۰ساله‌ای را که صرف نظر از مشکلات عدیده شخصی و خانوادگی، به مدت طولانی موادمخدر صنعتی که مسلماً بسیار خطرناک‌تر و مست‌کننده‌تر از شراب است، مصرف کرده در تحقق یک عمل مجرمانه، دارای مسوولیت و مستحق مجازات بدانیم، آنچه در پرونده تینا و دارا مشخص شده و خبر آن از طریق جراید به اطلاع عموم رسیده، استفاده طولانی‌مدت و بی‌رویه دارا از موادمخدر صنعتی است. از طرفی بنابر تمامی تعاریف جدید علمی در سراسر جهان از جمله ایران اعتیاد به موادمخدر و مسکرات جزو مهمی از بیماری‌های روانی خطرناک است که مصادیق سنتی و قدیمی آن را در جنون و مستی و نشنگی شناخته‌ایم بنابراین همان‌گونه که اعمال هرگونه مجازات به‌خصوص مجازات سالب حیات نسبت به کودک و دیوانه و مجبور یا حیوانات، قبیح، ممنوع، حرام و غیرعقلایی است به طریق اولی اعمال مجازات بر کسانی که به واسطه اختلالات شخصیتی و روحی ناشی از سلب اراده و برگرفته از استعمال موادی چون شیشه و کراک و.. دست به انجام بزه زده‌اند و دچار حالتی بسیار وخیم‌تر و اسفبارتر از حالت مستی و دیوانگی شده‌اند به مراتب ناپسندتر است. تجارب سالیان طولانی در نحوه رسیدگی‌های کیفری و صدور احکام جزایی و اجرای مجازات‌های مربوطه با نگرشی که از دیدگاه نگارنده برخلاف تمامی موازین عقلی و نقلی و شرعی و قانونی‌ما است، ثابت کرده که در راه و منشی که پیش گرفته شده نه تنها توفیقی حاصل نمی‌شود بلکه باوجود پاک کردن مکرر صورت‌های مساله به جای حل آنها، روز به روز بر تعداد مجرمان و فجیع‌تر شدن جنایات بدنی، جنسی و مالی و پیچیدگی و بروز جرایم جدید، افزوده می‌شود بنابراین بسیار شایسته است که به جای تسه‌بصوری و یافشاری غیرمنطقی بر موازین و مواضی که منایر با اصول معروف و قابل قبول شرعی، عقلی، قانونی و بین‌المللی است، با سعه‌صدر و اندیشیدن و تعامل و تبادل نظرات و تجارب، نسبت به شکوفایی و بهبود شرایط و وضعیت فردی و جمعی جامعه تلاش کنیم.